

ولی در مورد تاثیر سبکهای شناختی دانش‌آموزان در یادگیری آنان، آگاهی کمتری وجود دارد، شاید به این دلیل که کمتر مورد بحث و مطالعه قرار گرفته است. اما امروزه توجه بسیاری از روانشناسان شناختی به آن جلب شده است و همه آنان معتقدند که دانش‌آموزان شیوه‌های ترجیحی خاص برای یادگیری دارند. بدین معنا که بعضی از طریق خواندن و عده‌ای به وسیله گوش دادن و بعضی از طریق انجام اعمال واقعی بر روی چیزها، بهتر یاد می‌گیرند. بعضی در گروه بهتر عمل می‌کنند و عده‌ای به صورت انفرادی، برخی تحت فشار امتحانها بهتر عمل می‌کنند و عده‌ای اینگونه نیستند. از جمله تفاوت‌های سبک‌شناختی می‌توان به سبک‌شناختی وابسته به زمینه و مستقل از زمینه<sup>(۱)</sup> اشاره کرد که هرمن ویتکین<sup>(۲)</sup> (۱۹۴۰) بیان کرده است. مطالعات وی مکرراً نشان داده است که سبکهای شناختی از هوش جدا بوده و بیشتر به چگونگی کنش شناختی مربوط است، یعنی به میزان توانایی هوش مربوط نیست بلکه بیشتر به نحوه و کیفیت عمل آن بستگی دارد. به شکل زیر توجه کنید:

آیاشما می‌توانید شکل a را در داخل شکل b پیدا کنید

## تفاوت‌های

## فردی

و

## یادگیری

## دانش‌آموزان

یوسف کرچی

هر کس که در زمینه آموزش جمعی از افراد تجربه‌ای داشته باشد، مسلماً پراکندگی و تفاوت در میزان یادگیری فراگیران خود را به یاد خواهد داشت و در تبیین این تفاوت‌های موجود در یادگیری، به عواملی همچون تفاوت‌های فردی، خانوادگی و فرهنگی فراگیران اشاره خواهد کرد. چرا که امروزه متخصصین یادگیری، مشکلات یادگیری دانش‌آموزان را از دیدگاه چند علتی مورد بررسی قرار می‌دهند و از جمله این علل، به تفاوت‌های فردی، خانوادگی و فرهنگی اشاره دارند. در این مقاله نقش تفاوت‌های فردی در یادگیری دانش‌آموزان مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای سهولت بحث، تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در سه مقوله کلی تقسیم‌بندی شده است:

الف) تفاوت‌های فردی بدون در نظر

گرفتن سن و جنس

ب) تفاوت‌های فردی بین دختران و

پسران

ج) تفاوت‌های فردی مربوط به سن

دانش‌آموزان

تفاوت‌های فردی بدون در نظر گرفتن

سن و جنس فراگیران

امروزه تاثیر هوش و استعداد بر یادگیری

دانش‌آموزان بر هیچ فردی پوشیده نیست.

پروژه‌های علمی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



برای پیدا کردن جواب، بعضی از افراد حدوداً سه ثانیه وقت صرف می‌کنند در صورتی که برخی دیگر که از نظر هوش با گروه اول یکسان هستند، چندین دقیقه وقت صرف کرده و در پایان نیز نمی‌توانند به جواب درست برسند. شما در این مورد چگونه عمل خواهید کرد؟ به طور کلی افراد در توانایی تشخیص شکل از زمینه با یکدیگر تفاوت دارند و این تفاوت در شیوه ادراک به دو صورت است: یک دسته کسانی هستند که کاملاً مستقل از زمینه هستند. این دسته در آزمون بالا سریعاً جواب درست را پیدا می‌کنند. دسته دوم، آنهایی هستند که کاملاً وابسته به زمینه می‌باشند. اینها برای پیدا کردن جواب درست به راهنمایی و اشاراتی از جانب آزمایشگر نیاز دارند. هر چند دسته سوم از افراد نیز هستند که در وسط این دو طیف قرار می‌گیرند. چگونگی پاسخ افراد به آزمونهایی که یک مورد آن در بالا ذکر شد، عموماً نشان می‌دهد که آنها اشیا و جهان را چگونه ادراک می‌نمایند. شناخت تفاوت فراگیران در شیوه ادراک اشیا و جهان برای معلمان بسیار مهم است و برای کمک به معلمان در جهت آموزش و برانگیختن دانش‌آموزان برای یادگیری بهتر، هرمن ویت‌کین کاربردهای عملی نظریه خود را بدین صورت بیان کرده است.

سبک‌شناختی دیگری که در یادگیری دانش‌آموزان موثر است به سبک‌شناختی تأملی و تحریکاتی<sup>(۷)</sup> معروف است که توسط جروم کیگان و همکاران (۱۹۶۴) معرفی شده است. این نوع سبک شناختی به راهبردهای جستجو و خبرپردازی مربوط است. در سبک‌شناختی تحریکاتی فراگیر شیوه غیرتحلیلی<sup>(۸)</sup> را به کار می‌برد (به کل مسئله توجه می‌کند). در سبک‌شناختی تأملی، یادگیرنده از شیوه تحلیلی استفاده می‌کند و به همین دلیل اشتباهات بیشتری مرتکب می‌شوند. کودکان تأملی، برعکس، وقت زیادی صرف پاسخگویی به سوالات می‌کنند و معمولاً درست‌تر عمل می‌نمایند. کودکان تحریکاتی در سوالاتی که مستلزم تحلیل و بررسی جزئیات است، بیشتر مرتکب خطا می‌شوند، ولی کودکان تأملی در این موارد موفقتر هستند. به طور کلی کارآمدی و بی‌کفایتی هر کدام از این سبکها به ماهیت مطلبی که یاد گرفته می‌شود، بستگی دارد.

پژوهشگران دریافته‌اند که اگر به دانش‌آموزان دارای سبک‌شناختی تحریکاتی، آموزش داده شود تا در هنگام حل مسائل به جزئیات بیشتر توجه کنند، خطاهای آنان به مراتب کمتر خواهد شد. اما اگر صرفاً آنها مجبور شوند تا زمان

بیشتری صرف حل مسئله کنند بهره‌ای از این طریق نخواهند برد. زیرا آنان، نمی‌دانند که این زمان را چگونه به طور سودمندی مورد استفاده قرار دهند. (اگلند ۱۹۷۴، هید ۱۹۷۱، میشن بام و گودمن ۱۹۷۱، ارباچ ۱۹۷۷، ریدبرگ، پارک و هترینگتون ۱۹۷۱) علاوه بر اینکه، افراد در سبکهای شناختی فوق با یکدیگر تفاوت دارند، آنها در شیوه نسبت دادن موفقیت‌ها و شکستهای خود نیز با یکدیگر فرق می‌کنند. طبق نظریه اسناد، افراد در نسبت دادن امور به دو دسته تقسیم می‌شوند یک دسته افرادی هستند که موفقیتها و شکستهای خود را به عوامل درونی (شخصی) نسبت می‌دهند. دسته دوم، کسانی هستند که موفقیتها و شکستهای خود را به عوامل بیرونی (محیطی) نسبت می‌دهند. تحقیقات نشان داده است که کودکان دسته اول بیشتر مستعد از دست دادن انگیزش یادگیری و متوقف ساختن تلاش خود هستند. (ویلسون و لینوایل ۱۹۸۲)

یکی از پیامدهای این نسبت دادنها، احساس احترام به خود است. در واقع مفهوم خود یادگیرنده به الگوی نسبت دادن او وابسته است فردی که موفقیتهای خود را به عوامل درونی و شکست خود را به عوامل بیرونی نسبت می‌دهد با تکلیفهای یادگیری

### شیوه‌های آموزشی متناسب با سبکهای شناختی دانش‌آموزان

وابسته به زمینه	مستقل از زمینه
موقعیتهای آموزشی را که در آن بحث و تعامل با دانش‌آموزان دیگر مجاز است انتخاب کنید. بعد از آموزش، از دانش‌آموزان مطلب آموخته شده را سوال کنید. از انجام ارزشیابی منفی اجتناب نمایید و بازخوردهای کوچکتری را فراهم سازید. از فعالیتهای دانش‌آموز - مدار <sup>(۵)</sup> استفاده کنید.	از موقعیتهای آموزشی غیرشخصی مثل سخنرانی استفاده کنید و بر جنبه‌های شناختی آموزش تاکید نمایید. برای معرفی و ارائه موضوع درس از دانش‌آموزان در آن رابطه سوال کنید و پاسخ‌های آنان را دنبال نمایید. از موقعیتهای یادگیری که توسط معلم سازمان یافته <sup>(۲)</sup> است استفاده کنید. محیط یادگیری شخصی و گرمی را بوجود آورید بازخوردهای درست ارائه دهید و از ارزشیابی منفی <sup>(۳)</sup> استفاده کنید.

با نوعی مفهوم خود مثبت برخورد می‌کند. پژوهشها نشان داده‌اند که دانش‌آموزان در سالهای نخست تحصیل، معتقدند که موفقیت وابسته به سعی و کوشش است و توانایی یا استعداد را در این مورد موثر نمی‌دانند، در نتیجه مطمئن هستند که با سعی و تلاش می‌توانند موفق شوند. اما همین دانش‌آموزان هنگامی که به سن یازده الی دوازده سالگی می‌رسند، کوشش را از توانایی جدا می‌کنند و آنانی که شکستهای پی‌درپی داشته‌اند موفقیت‌های گاهگاهی خود را نیز باور نمی‌دارند (بل - گرادر ۱۹۸۶). بنابراین باید روند نسبت دادن زیر را تغییر داد:

شکست ← فقدان توانایی ← احساس عدم شایستگی ← کاهش عملکرد  
شکست ← فقدان کوشش ← احساس گناه یا شرمساری ← افزایش عملکرد  
برای تغییر این روند اقدامهای آموزشی را می‌توان انجام داد:

الف) شرایط آموزشی باید بر فعالیت دانش‌آموزان تأکید کند نه بر پیشرفت آنان.  
ب) بالا بردن سطح مفهوم خود دانش‌آموزان از طریق کاهش رقابت برای نمره.

بطور کلی، اگر دانش‌آموزان متقاعد شوند که شکستهای تحصیلی آنان بیشتر ناشی از عوامل محیطی زودگذر است، انگیزش تحصیلی آنان می‌تواند افزایش یابد.

## تفاوت‌های فردی بین دختران و پسران

جدایی از تفاوت‌های آناتومی آشکار بین دختران و پسران، تفاوت‌های روانشناختی خاصی نیز بین آنان وجود دارد. تفاوت‌هایی که در چند سال اخیر به‌طور مکرر به آنها اشاره شده است عبارتند از:

دختران در سنین پایین‌تری سخن گفتن را آغاز نموده و تعداد واژگان بیشتری کسب می‌کنند و غالباً این برتری را در طول زندگی حفظ می‌نمایند. در مدرسه زبان بیگانه (خارجی) را آسانتر یاد می‌گیرند. پسران نسبت به دختران پرخاشگرترند و کمتر از دختران توانایی آرام نشستن در کلاس را دارند. بنابراین احتمال اینکه در سنین مدرسه به عنوان کودکان بیش فعال<sup>(۲)</sup> که دارای مشکلات یادگیری‌اند، تشخیص داده شوند، زیاد است.

پسران در آزمونهای فضایی و ریاضیات عملکرد بهتری دارند و زنان در آزمونهای کلامی بهتر هستند (وکسلر ۱۹۵۸ و فین‌گلد<sup>(۳)</sup> ۱۹۸۸). همچنین مطالعات نشان داده‌اند که نمرات هوشی دختران و پسران در این تفاوت در نمرات تحصیلی دبیرستانی و دانشگاهی نیز دیده شده است. دختران و زنان می‌توانند چیزهایی را که با یکدیگر هیچ ارتباطی ندارند و یا به خود آنان مربوط نیست برای مدت کوتاهی در حافظه نگهداری کنند. اما پسران و مردان

می‌توانند چیزهایی را به مدت کوتاهی در حافظه نگه‌دارند که یا به خود آنان مربوط است یا با یکدیگر ارتباط منطقی دارند. دختران می‌توانند مطالب را فهمیده یا نفهمیده حفظ کنند، اما پسران تلاش می‌کنند، ابتدا بین مطالب رابطه منطقی بوجود آورند و بعد حفظ کنند. پسران بیشتر از دختران از دشواریهای گفتاری و لکنت زبان رنج می‌برند.

محیط‌گرایان این تفاوتها را محصول شیوه آموزش و فرهنگ و تقویت متمایزی که در مورد جنسیتها اعمال می‌گردد، می‌دانند. بنابراین شگفت‌آور نیست که یک پسر بچه کوچک پرخاشگر باشد زیرا والدین، معلمان و کتابهای داستان به او چنین می‌گویند. دختران کوچک نصیحت می‌شوند تا زیاد ندوند، نپزند، یا پر سر و صدا نباشند، زیرا شایسته بانوان نیست.

## تفاوت‌های فردی وابسته به سن

برخی از توانایی‌های شناختی اساس رشدی داشته و همزمان با افزایش سن در کودکان متعادل، تغییر می‌یابند. لازم است این تغییرات در تدوین مطالب و آموزش مورد توجه قرار گیرند، از جمله این تغییرات می‌توان به فرایند توجه، رمزگردانی، راهبردهای تکرار، تکنیکهای تقطیع و مهارتهای بازیابی اشاره کرد.

### نحوه برانگیختن دانش‌آموزان با سبکهای شناختی مستقل و وابسته به زمینه

وابسته به زمینه	مستقل از زمینه
از طریق تشویقهای کلامی از طریق کمک کردن معلم از طریق دادن پاداشهای بیرونی (ستاره‌ها و جوایز) به آنان نشان دهید که این تکلیف برای دیگران چقدر اهمیت دارد.	از طریق نمرات از طریق رقابت از طریق انتخاب فعالیت‌های هدف‌نگار شخصی. <sup>(۴)</sup> به آنان نشان دهید که چگونه این تکلیف برایشان مفید و ارزشمند است.

توانایی توجه یا تمرکز بر روی محرک یک عنصر کلیدی در انتقال اطلاعات از حافظه حسی به حافظه کوتاه مدت است. مطالعات زیادی نشان داده‌اند که کودکان بزرگتر در مقایسه با کودکان کم سن‌تر، بهتر می‌توانند فرآیند توجه خود را متمرکز و مهار نمایند. توانایی بالقوه کودکان برای توجه نمودن به برهه‌های (۱) مربوطه و چشم‌پوشی از برهه‌های نامربوط، تقریباً تابع مستقیمی از رشد و نمو کودک است.

### رمزگردانی

توانایی رمزگردانی درونی اطلاعات وارده به مغز، اساساً پایه رشدی دارد. کودکان کم سن تنها تعداد کمی از ابعاد محرک را با هم ترکیب می‌کنند و گاه تنها یک یا دو بعد از محرک را در نظر می‌گیرند. ولی کودکان بزرگتر به رمزگردانی چند جانبه می‌پردازند که این امر در خیرپردازی محرک‌های پیچیده اهمیت خاصی دارد. مثلاً یک محرک ممکن است بر اساس اندازه، فاصله، غلظت، رنگ، شکل، بافت، نام و غیره رمزگردانی شود.

### راهبردهای تکرار

تکرار اطلاعات نقش موثری در انتقال اطلاعات از حافظه کوتاه مدت به حافظه درازمدت دارد. مطالعات نشان می‌دهند که راهبردهای تکرار اطلاعات با افزایش سن کودکان سازمان یافته‌تر می‌شوند و این منجر به تخریب شدن اطلاعات بیشتری در حافظه درازمدت می‌گردد.

### تکنیکهای تقطیع (۹)

راهبردهای تکرار و تکنیکهای تقطیع ارتباط زیادی با یکدیگر دارند. این توانایی نیز در کودکان بزرگتر بهتر از کودکان کوچکتر است. در یک آزمایش کودکان کلاس سوم ابتدایی نتوانستند در یادگیری مطالبی که به سادگی قابل طبقه‌بندی بودند و مطالبی که هیچ ارتباطی با یکدیگر نداشتند، بهتر عمل کنند.

### مهارتهای بازیابی

به دلیل اینکه کودکان بزرگتر نسبت به کودکان کوچکتر در دقت، رمزگردانی، تکرار، تقطیع، سازماندهی اطلاعات و استفاده بیشتر از برهه‌های بازیابی توانمندتر هستند، در بازیابی اطلاعات نیز عملکرد بهتری دارند. همچنین کودکان بزرگتر آگاهی بیشتری در مورد مهارتهای حافظه خود دارند که این آگاهی درونی از حافظه را فراشناخت یا فراحافظه گویند.

### نتیجه‌گیری

برخی از تفاوت‌های فردی را می‌توان از بین برد، ولی می‌توان آنها را تعدیل کرد. حال که از بین بردن تفاوت‌های فردی امکان‌پذیر نیست، چه باید کرد؟ آیا باید دانش‌آموزان را از یکدیگر جدا کرد؟ جدا کردن دانش‌آموزان در عمل، نه ممکن است و نه جامعه‌پسند. بنابراین باید شیوه‌های آموزشی و یادگیری را با توانایی‌ها و خصوصیات دانش‌آموزان منطبق ساخت. انشا... در مقالات بعدی در مورد شیوه‌های هم‌تا سازی سبک‌های آموزش و یادگیری بحث خواهد شد.

### پی‌نوشت‌ها:

- 1 - Field - Independent and Field Dependent

کسانی که در هنگام ادراک یک شکل به زمینه آن توجه زیادی می‌کنند و ادراکشان تحت تأثیر زمینه قرار می‌گیرد «وابسته به زمینه» گفته می‌شوند. ولی افرادی که در ادراک شکل، به زمینه توجه زیادی نمی‌کنند و توانایی تسلط بر یک بافت محاط شده را دارند به افرادی دارای سبک‌شناختی مستقل از زمینه معروف‌اند.

- 2 - Herman. A. Witkin
- 3 - Teacher - Organized
- 4 - Negative - Evaluation
- 5 - Student - Centerd Activities

منظور این است که فرد برای خود هدف‌هایی را مشخص کند و در صورت رسیدن و نرسیدن به اهداف خود، شخصاً خود را تقویت یا تنبیه کند.

- 6 - Personal goal chart
- 7 - Impulsive and Reflective
- 8 - Nonanalytic

۹- تقطیع: دسته‌بندی اطلاعات به واحدها یا قلمه‌های کمتر. برای این کار باید از اطلاعات موجود در حافظه درازمدت استفاده کرد.

### منابع

- ۱- سیف، علی‌اکبر (۱۳۶۹). درماندگی آموخته شده، پژوهش در مسایل روانی - اجتماعی شماره ۴، ۵ صفحات ۱۸ تا ۲۵
- ۲- گنجی، حمزه، تفاوت‌های فردی صفحات ۷-۲ و ۸-۲

- 3 - Bee Helen (1989). Developing Child, Fifth Edition, P 290 - 291
- 4 - Clarizo, Harvey f. craig. Robert C. Mehrens, Wiliam A. (1987). Contemporary Issues In Educational Psychology. Fifth Edition. P 173 - 175
- 5 - Sprinthall, Norman A, And Sprintall Richard C. (1990) Educational Psychology A Developmental Approach. Fifth Edition.
- 6 - Worthman, Camille B. loftus Elizabeth F (1992). Psychology. Fourth Editon
- 7 - Smith, Corinne Roth (1991). Learning Disabilities Disbilities, the Intraction of Learning / Task / And setting, Second Edition